

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۱، ص ۸۱-۱۰۴

بررسی و تحلیل شاخصه‌های تعلیمی قابوس‌نامه در ارتباط با روابط والدین - فرزند براساس نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت

رحمت‌الله حق‌طلب* - دکتر مهدی نوروز** - دکتر محبوبه ضیاء‌خدادادیان***

چکیده

قابوس‌نامه یکی از متون اندرزمحور در گستره ادب فارسی است. عنصرالمعالی گاهی با سنت شکنی‌های آگاهانه، کلام را پیچیده و دیرپاب می‌کند و رمزهایی را در لایه‌های زیرین متن می‌گنجاند که مخاطب جزئی‌نگر را به سوی معنا راهنمایی می‌کند. در دوران معاصر، یکی از متغیرهای مهم علم نشانه‌شناسی - روشی برای تحلیل ابعاد جدیدی از یک اثر - رمزگان نام دارد. رولان بارت پژوهش‌هایی را در این باره انجام داده و رمزگان را به پنج نوع کنشی، هرمنوتیکی، نمادین، معنایی و فرهنگی تقسیم کرده و برای هرکدام کارکردی را شرح داده است. در مقاله حاضر، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، مبانی اخلاقی روابط والدین - فرزند در دو باب از قابوس‌نامه (نهم و بیست و هفتم) براساس مبانی نظریه رمزگان بارت کاویده شده است تا اغراض ثانویه عنصرالمعالی از بازگویی حکایت‌های تعلیمی بررسی شود. نتایج کلی پژوهش نشان

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

r.a.haghtalab9511@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)

mahdinovrooz@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

m.zia@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۷/۳

می دهد که در سطح رمزگان فرهنگی، ایدئولوژی و بینامتنیت دینی برای تبیین آموزه ها نمودی فراگیر داشته است. رمزگان هرمنوتیکی در بازنمایی زوایای مبهم روایت تعلیمی مؤثر بوده است. تقابل های دوگانی در رمزگان نمادین، بر تقابل پیوسته میان خیر و شر تأکید دارد. با بررسی رمزگان معنایی مشخص شد که عنصرالمعالی با بهره گیری از کلمات و عبارت های دینی، نظام دلالتی اخلاق بنیاد خود را تبیین کرده و با هدف تقویت آگاهی مخاطب، به تشریح نکات تعلیمی مدنظر خود پرداخته است. همچنین، استفاده از رمزگان کنشی در عینیت نمایی روابط اخلاقی میان فرزندان و والدین تأثیری بسزا داشته است.

واژه های کلیدی

عنصرالمعالی، قابوس نامه، آموزه های تعلیمی، رولان بارت، رمزگان های پنج گانه

۱- مقدمه

نشانه شناسی (Semiotics) یکی از روش هایی است که در سال های گذشته برای بازخوانی و کاویدن متون گوناگون استفاده شده است. کامل شدن مبانی این علم را باید حاصل پژوهش های زبان شناسانی مانند فردینان دوسوسور (Ferdinand de Saussure) دانست. «او دانشی عمومی از نشانه ها [را] ترسیم کرد که زبان شناسی تنها یک بخش آن بود» (بارت، ۱۳۸۴: ۷۱) و براساس آن، متغیرهایی مانند انواع نشانه ها و قواعد حاکم بر آن و نیز عامل های اثرگذار در فرایند تولید و تبادل آن بررسی شد. از نظر رولان بارت (Roland Barthes)، «متن در ارتباط با نشانه یا دال تجربه می شود... [و] اثر به منزله نوعی نشانه کلی عمل می کند و از این رو، معرف یکی از مقولات نهادی تمدن ما یعنی تمدن مبتنی بر نشانه (Civilization of the sign) است» (بارت، ۱۳۷۳: ۶۰). برپایه این رویکرد، گستره نشانه ها چیزی فراتر از دانش زبان شناسی را در بر می گیرد و در زمینه های گوناگون زندگی نوع بشر مصداق می یابد؛ تا آنجا که ارائه تعریف درست و دقیق از مفهوم تمدن، بدون در نظر داشتن قابلیت های ارتباطی نشانه ها تحقق پذیر نخواهد بود. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که گستره نشانه ها و کلمه ها صرفاً به نثر محدود

می‌شود (سارتر، ۱۳۵۲: ۱۸)؛ ولی بارت با شکستن این انحصار، همه انواع نوشتار را برخوردار از خصلت‌های نشانه‌ای می‌داند و چنین می‌گوید که نشانه‌ها بر یک موقعیت اجتماعی دلالت می‌کنند (بارت، ۱۳۷۸: ۲۷). به این اعتبار، در ساختار فکری بارت، نوشتار را باید یکی از مصداق‌های عینی و ملموس تمدن بشری و ابزاری مطلوب برای بازنمایی نشانه‌ها به شمار آورد. صفوی معتقد است که نشانه‌شناسی را باید علم مطالعه، بررسی و طبقه‌بندی نشانه‌های واقعی دانست. این بدان معناست که اگر با نشانه‌هایی سروکار داشته باشیم که ارتباط میان دال و مدلول آن‌ها از نوع قراردادی و اختیاری باشد و نماد به شمار آیند، امکان تصور هم‌زمان سه نقش نماد، نشان و علامت برای آن‌ها وجود دارد (صفوی، ۱۳۸۱: ۸).

در میان نظریه‌پردازانی که در دهه‌های اخیر به رشد دانش نشانه‌شناسی کمک‌های شایانی کرده‌اند، رولان بارت چهره‌ای مطرح و برجسته است. او با ارائه نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه، قدم‌هایی معتبر در کاربست مبانی نشانه‌شناسی برای تحلیل متون برداشت و امکان پرداختن به نظریات جدید و قاعده‌پذیر را فراهم آورد. این رمزگان‌های پنج‌گانه که بارت بر آن تأکید دارد، همان کدهای زبانی هستند که نظام‌های دلالتی گوناگونی در بطن و متن آن‌ها قرار دارد و درک و دریافت مخاطب از این عناصر، به فهم و خوانش مطلوب‌تر وی از معنا کمک می‌کند. به عبارت دیگر، با کاربرد رمزگان‌ها برای تحلیل یک متن، ضمن آنکه «امکان دسترسی به ساختارهای ثانویه از طریق ساختار ظاهری در روایت‌ها» ایجاد می‌شود (اسکولز، ۱۳۷۹: ۲۱۸-۲۱۹)، بستری مناسب برای ارائه تحلیلی دقیق از اهداف اولیه و ثانویه خالق متن به وجود می‌آید و متن تولیدی از زاویه‌ای جدید کاویده می‌شود. از دید چندلر، پس از کاربست این رمزگان‌ها در متن، ضمن آنکه نشانه‌ها به نظام‌هایی معنادار بدل می‌شوند، پیوند بین دال و مدلول نیز برقرار می‌شود (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). در نگاه بارت، این رمزگان‌ها از قابلیت‌های لازم برای بررسی و کاویدن یک متن روایی برخوردار هستند؛ از این رو، می‌توان این پنج رمزگان را از نوع روایی به شمار آورد.

قابوس‌نامه نوشته‌ی عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر، یکی از مهم‌ترین متون تعلیمی

کلاسیک به زبان فارسی است. انگیزه نویسنده برای نوشتن این کتاب، بازنمایی مجموعه‌ای از آداب اخلاقی برای رسیدن به زندگی مطلوب و شخصیتی خودشکوفای برای فرزند خود (در سطح اولیه) و مردم (در سطح کلان) بوده است. او بسیاری از مسائل را در لفافه مطرح کرده و با ایجاد تعقید در تبیین برخی مفاهیم، بر غنای فکری و محتوایی اثر خود افزوده است. در این اثر، نظام مشخصی از نشانه‌ها منعکس شده که در انتقال معانی مختلف به مخاطب تأثیری مستقیم داشته است. عنصرالمعالی با بهره‌گیری از مبانی اخلاقی و فرهنگی دو دوره مختلف از ایران، دوران باستان و روزگار اسلامی، به مسائل گوناگون انسانی پرداخته است. او مجموعه‌ای دقیق و کمال‌بخش از دغدغه‌های گوناگون فردی و اجتماعی را بازنمایی کرده است که در ارتقای سطح شعور و بینش مخاطبان تأثیر بسزایی دارد. وی برای تحقق‌بخشیدن به این هدف مهم، از ظرفیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای واژگان و جملات فارسی استفاده کرده است. نویسنده در باب‌های مختلف که نام‌های مشخصی دارند، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی از جمله روابط والدین - فرزند را بازگو کرده است که در شکل‌گیری ساختارهای خانوادگی و اجتماعی نقشی مهم و محوری دارد.

کلام عنصرالمعالی در غالب باب‌ها ساده و زودپاب به نظر می‌رسد؛ اما گاهی به تحلیل و تفسیر نیاز دارد. به عبارت دیگر، بسیاری از توصیه‌های او در *قابوس‌نامه* به دلیل شاخصه‌های روایی، برخورداری از نظام‌های دلالتی چندلایه و رمزگان‌های متعدد، این ظرفیت را دارد که براساس مبانی نشانه‌شناسی بررسی و تحلیل شوند. «بارت در آثار خود بر خوانش مخاطب تأکید می‌کند، خوانشی که از اثر به متن و از مؤلف به خواننده در چرخش است...». براساس رمزگان پنج‌گانه به نظم قابل تشخیصی در متن دست یافته می‌شود... بارت از متن توقع دارد تا نویسا بوده و فاصله میان خواندن و نوشتن را بکاهد؛ زیرا متن خوانا خواننده را بیکار، بی‌کنش و منعطف می‌کند» (پین، ۱۳۹۲: ۱۱۵). عنصرالمعالی در بسیاری از بخش‌های ابواب نهم و بیست‌وهفتم اثر خود با بیانی روایی به مجموعه‌ای از اخلاقیات پرداخته و هدف‌های اندرزی خود را محقق کرده است. به این اعتبار، با کاربست نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه بارت، ابعاد جدیدی از کیفیت

کلام روایی نویسنده در قابوس‌نامه (در جایگاه یک متن تولیدی) در امر قصه‌گویی و البته تشریح مسائل تعلیمی و اخلاقی برای مخاطبان آشکار می‌شود. همچنین، استفاده از نظریه مذکور موجب می‌شود تا از تشتت آرا جلوگیری شود و تحلیل‌های ارائه‌شده از دخالت نظریات شخصی به دور باشد.

هدف و مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که اغراض اولیه و ثانویه عنصرالمعالی از بازگفت توصیه‌های اخلاق‌محور برای بهبود روابط پدر و مادر با فرزندان و برعکس، باتوجه‌به این نظریه متقن و روشمند شناسایی، تحلیل و بازنمایی شود. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

الف) بررسی و تحلیل قابوس‌نامه براساس نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت چه تأثیری در بازنمایی آراء تعلیمی عنصرالمعالی دارد؟ (ب) مهم‌ترین نمادهای مرتبط با روابط والدین - فرزند در قابوس‌نامه چیست؟ (ج) عنصرالمعالی از کاربست رمزگان هرمنوتیکی و چیستانی در تبیین روابط والدین - فرزند چه هدف یا اهدافی داشته است؟ (د) رمزگان‌های کنشی در بازنمایی کدام آموزه‌های تعلیمی اثرگذار بوده است؟ (ه) دلالت‌های تعلیمی موجود در سطح معنایی به چه صورت‌هایی تبیین شده‌اند؟ (و) اصلی‌ترین رمزگان فرهنگی در ابواب برگزیده قابوس‌نامه چیست؟

۱-۱ روش پژوهش

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. جامعه آماری تحقیق، باب‌های نهم و بیست و هفتم از قابوس‌نامه است؛ زیرا آراء عنصرالمعالی در ارتباط با لزوم روابط اخلاق‌محور والدین - فرزند در این باب‌ها منعکس شده است. برای ارائه تحلیل و خوانشی متنوع از دیدگاه مؤلف، از مبانی نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت استفاده شده است. نظریه بارت برای تحلیل داستان به کار می‌رود و از این طریق، امکان بررسی سطح و ژرف ساخت روایت در متون منثور فراهم می‌شود. درباره ساختار کلی تحقیق باید گفت ابتدا به مبانی نظریه بارت پرداخته شد و در بخش اصلی، ذیل هر رمزگان، عبارات مرتبط از قابوس‌نامه قرار گرفت و در نهایت، تحلیل‌ها افزوده شد. همچنین، برای تقویت تحلیل‌ها از منابع معتبر استفاده شده است.

۲-۱ پیشینه پژوهش

اهمیت و کاربردی بودن نظریه بارت باعث شده است از آراء او در بازنمایی و تحلیل متون ادبی فارسی استفاده شود. در این بین، کاسی (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل ساختاری داستان پادشاه سیاه پوش از منظر بارت و گرماس» به این نتیجه رسیده است که در سطح ظاهری رمزگان معناشناسانه از حرص آدمی سخن به میان می آید؛ اما در سطح استعاری از میوه ممنوعه و معراج یاد شده است. باقری خلیلی و ذبیح پور (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل ساختاری تقابل نشانه‌ای در غزلیات حافظ شیرازی با تکیه بر نظریه رولان بارت» بیان کرده‌اند که تقابل نشانه‌ای اشعار حافظ اساساً بازتاب تقابل تصوف خانقاهی با تصوف عاشقانه است و هرکدام از آن‌ها نشانه‌ها و نظام‌های خاصی دارند. تصوف خانقاهی دارای دو نظام، یکی زاهدانه و دیگری عابدانه است. همچنین، تصوف عاشقانه دارای دو نظام، یکی مستی و دیگری بزمی است. ضیاءالدینی دشتخاکی و مرتضایی (۱۳۹۵) در مقاله «کارکردهای روایی در شعر طاهره صفارزاده براساس نظریه روایت‌شناسی بارت» بیان کرده‌اند که زبان شعری این شاعر از سادگی به پیچیدگی و از مدل‌های وصفی به مدل‌های روایی، به‌ویژه در دوره دوم گرایش یافته است. او در شعرش می‌کوشد تا در بستر روایت با رویکردی اجتماعی، پلی میان اندیشه و روایت بسازد و با اتکا بر اصل دینامیک‌بودن روایت، به هدف شعری خود دست یابد که همان ایجاد حرکت در ذهن مخاطب است. اسپرهم و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل روایی داستان نخجیران و شیر [در] مثنوی معنوی با رویکرد زبان‌شناسی رمزگان رولان بارت» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین شاخصه‌هایی که این روایت را به متنی باز و متکثر تبدیل می‌کند، ویژگی‌های خاص روایتگری راوی در این داستان و نیز ماهیت کاملاً تمثیلی روایت است. خواجه‌گیری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نشانه‌شناسی خویشکاری نام رستم در شاهنامه» به این نتیجه رسیده‌اند آنچه در متن شاهنامه به شخصیت رستم ارتباط می‌یابد، در قالب یک نظام نشانه‌ای قرار می‌گیرد؛ نظامی که با بررسی روابط جانشینی و همنشینی موجود در آن، می‌توان به تناسب خویشکاری رستم با هر چیزی پی برد که به وی مربوط می‌شود. امجدی و مظفری (۱۴۰۰) در مقاله «نقش رمزگان عرفان و تصوف در تصاویر و مضامین شعری سید حسن حسینی» بیان کرده‌اند با

تحولات دنیای مدرن و تغییر ذائقه نسل جدید، عناصر و رمزگان نهاد عرفان و تصوف از کانون توجه شاعران معاصر به‌ویژه شاعران نوپرداز کنار رفته؛ اما سید حسن حسینی در سه حیطه زبانی، ادبی و فکری از این رمزگان استفاده کرده است. وی در حیطه بلاغی برای ساخت انواع تصاویر شعری همانند تشبیه و استعاره و همچنین انواع تلمیح و تناسب از این رمزگان بهره برده و در حیطه فکری از آن‌ها برای مبارزه با ریاکاری و دیگر مظاهر آن استفاده کرده است. فلاحی و گلستانه (۱۴۰۰) در مقاله «بازیابی رمزگان‌ها در منطق الطیر عطار نیشابوری (خوانش داستان مرغان سالک و برادران یوسف)» به این نتیجه رسیده‌اند که رمزگان‌های پنج‌گانه در جای‌جای متن به کار رفته‌اند و در نتیجه، این متن، از نوع نوشتنی است و خواننده در بند معانی تحمیلی شاعر نیست؛ بلکه در روندی گام‌به‌گام به آفرینش معانی متکثر می‌پردازد. امیری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «نشانه‌شناسی الفاظ حاوی مفهوم وطن در اشعار سلیمان العیسی براساس دیدگاه چارلز پیرس» به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه‌های وطن‌دوستی در اشعار شاعر در قالب ساختار رمزگان‌های خالق اثر، زیبایی‌شناسی، مکانی، زمانی و بینامتنی تولید شده‌اند. وی با چینش صحیح دلالت‌های صریح در کنار هم و در درون بافت متن، دلالت‌های ضمنی مفهوم وطن را با زبانی خیال‌انگیز بیان داشته است.

با وجود این تحقیقات، تاکنون در هیچ پژوهشی با استفاده از نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه بارت، لایه‌های ثانویه و به‌طور کلی، سطح فکری و محتوایی قابوس‌نامه به‌ویژه در حوزه روابط والدین - فرزند بررسی و کاویده نشده است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر برای نخستین بار به این موضوع می‌پردازد. با این حال، ظرفیت‌های تعلیمی قابوس‌نامه نگاه پژوهشگران را به بررسی ابعاد اخلاقی این اثر معطوف کرده است. اسعدی (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی و تحلیل نوع خانواده و ارکان آن در قابوس‌نامه؛ با عنایت به دیدگاه‌های اسلام و نظرات جامعه‌شناسان»، به مسائلی مانند اقتصاد خانواده و ساختار خانواده پرداخته و آراء عنصرالمعالی را گاهی در منافات با عقاید اسلامی دانسته است. همین نویسنده (۱۳۸۹) در مقاله «خانواده در قابوس‌نامه»، توضیحاتی درباره اعضای خانواده (پدر، مادر و فرزندان)، جایگاه و حقوق هریک ارائه کرده است. پورالخاص و

قرداشخالی (۱۳۹۳) در مقاله «مقایسه آموزه‌های تربیتی گلستان سعدی و قابوس‌نامه» نشان داده اند که اثر عنصرالمعالی با آنکه به شیوه اندرز بیان شده است، نسبت به سعدی — که دستورهای تربیتی را به صورت حکمت مطرح می‌کند — تفاوت چندانی ندارد. مهدوی و تقی‌زاده (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی آموزه‌های اخلاقی آفرین‌نامه ابوشکور بلخی با نگاهی به میزان تأثیر آن بر قابوس‌نامه» با پیش‌انگاره میان‌متنی و ارتباط بینامتنی، به این نتایج رسیده‌اند که مؤلفه‌های تربیتی آفرین‌نامه به سه شکل در قابوس‌نامه نمود یافته است: بخشی از ابیات آفرین‌نامه عیناً در قابوس‌نامه تضمین شده است. قسمتی دیگر شامل مضامین و پیام اخلاقی مشترکی است. همچنین، بخشی از آموزه‌های این دو اثر صرفاً از دید محتوایی، مشترک و همسان هستند. خویینی و رحمتیان (۱۳۹۸) در مقاله «پژواک برخی اندرزهای پیشینیان در کتاب قابوس‌نامه» به این نتیجه رسیده‌اند که اثر مذکور به صورت واضح و مستقیم از منابعی مانند اندرزهای آذربادمار سپندان، پندنامه نوشیروان، آداب ابن مقفع و اشعار ابوشکور بلخی تأثیر پذیرفته است. موسوی (۱۳۹۹) در مقاله «تبیین جایگاه قابوس‌نامه در تاریخ اندرزنامه‌نویسی» به این نکته اشاره می‌کند که براساس تعلق خاطر عنصرالمعالی به ایران باستان و آشنایی او با زبان پهلوی، این اثر در سبک و محتوا به سنت اندرزنامه‌نویسی پیشین شباهت دارد.

۲- بحث اصلی

قابوس‌نامه یکی از آثار تعلیمی مهم در گستره زبان فارسی است که ویژگی‌های متعددی دارد؛ از آن جمله می‌توان به ظهور و بروز رمزگان‌ها در قالب باب‌ها و حکایت‌های مختلف اشاره کرد. نویسنده از این شگرد برای بازنمایی بسیاری از موضوعات اخلاقی، اندرزی و شناختی استفاده کرده است. این شیوه استفاده گاهی همراه با ذکر مسائلی بوده است که درک آن در بدو امر دشوار به نظر می‌رسد و نیاز به تحلیل، تأویل و تفسیر دارد. رمزهایی که در قابوس‌نامه ظاهر شده‌اند، جنبه‌های روایی اثر را تقویت کرده‌اند. نشانه‌شناسی این رمزها در پی بردن به کیفیت تعلیمی و اخلاقی اثر مذکور به‌ویژه در حوزه روابط والدین — فرزند تأثیر بسزایی دارد. در این بخش ذیل پنج

عنوان «معنائی»، «هرمنوتیکی یا چیستانی»، «نمادین»، «فرهنگی و ارجاعی» و «کنشی» به این مهم پرداخته می‌شود.

۱-۲ رمزگان معنایی (Semantic)

از دید بارت، «متن به اعتبار بازی دال‌ها پدیدار می‌شود» (Barthes, 1986: 58). در رویکرد بارت، دال و مدلول در لایه ابتدایی با هم ترکیب می‌شوند تا دال لایه دوم شکل بگیرد. به بیان دیگر، لایه بیان در سامانه دلالتی ثانویه براساس لایه بیان و سطح محتوای نظام دلالتی نخست پایه‌گذاری می‌شود (Barthes, 1964: 26). این مهم، باعث برجسته‌تر شدن کارکرد رمزگان معنایی در متن تولیدی می‌شود. این رمزگان در جایگاه یکی از واحدهای متن در پردازش شخصیت‌ها و بازنمایی شرایط و احوال آن‌ها استفاده می‌شود (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

در قابوس‌نامه مصداق‌هایی برجسته از رمزگان معنایی وجود دارد که در تقویت ظرفیت‌های تعلیمی آن، تأثیری محسوس دارد. عنصرالمعالی در تبیین اهمیت جایگاه پدر و مادر، آن‌ها را شبیه واسطه می‌داند. در تعریف واسطه گفته‌اند: «بزرگ‌ترین گوهر در وسط گردن بند؛ واسطه‌العقد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل مدخل)؛ بنابراین، والدین در ساختار فکری عنصرالمعالی ارزش و اعتباری همانند گوهر دارند. اگر معرفت و تقرب الی الله را گوهر بدانیم، پدر و مادر نیز اصلی‌ترین و برجسته‌ترین بخش این گوهر به شمار می‌آیند. برآیند اخلاقی این تمثیل استعاری، احترام به والدین در هر شرایط است. عنصرالمعالی با اشاره به نقش میانجی پدر و مادر بین فرزند و خداوند، بار دینی و ایدئولوژیک به رویکرد خود می‌دهد تا در تبیین اغراض اندرزی خود، یعنی بازنمایی شمه‌ای از ویژگی‌های معنوی والدین موفق‌تر عمل کند: «و کمتر حرمت پدر و مادر آن‌ست که هر دو واسطه‌اند میان تو و آفریدگار تو، پس چندان که آفریدگار خود را و خود را حرمت داری، واسطه را نیز حرمت دار» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۴).

در رمزگان معنایی، مخاطبان باتوجه‌به زنجیره‌ای از نمادها و علائم زبانی، به منظور خالق متن پی می‌برند و از معنای پنهان در متن آگاه می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). کاربست عناصر معنایی باعث می‌شود تا صفات شخصیت‌های داستان به‌صورت

غیرمستقیم برای مخاطب بازنمایی شود (پاینده، ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۲۴-۲۲۵).

در قابوس‌نامه نیز خلق شخصیت‌ها و الگوهای اخلاقی با تکیه بر بازنمایی شماری از مصداق‌های تعلیمی اهمیت ویژه‌ای دارد. عنصرالمعالی در سطح اولیه و ظاهری کلام خود، از میوه و درخت یاد می‌کند تا لایه‌های ثانویه منظور خود را شرح دهد. او با کاربست دلالت‌های غیرصریح و ضمنی، ذهن مخاطب را به ژرف‌ساخت کلام تعلیمی خود و هدف اصلی روایت طرح‌شده هدایت می‌کند و این پیام را به صورت کنایی به مخاطبان (فرزندان) انتقال می‌دهد که با تیمارداری از والدین، از فواید معنوی این عمل برخوردار می‌شوند. عنصرالمعالی با این شگرد، در حال تربیت شخصیت‌هایی اخلاق‌محور است. بر این پایه، او باور دارد مراقبت از والدین بیش از آنکه برای آن‌ها سودمند باشد، برای فرزندان نتایج مطلوبی به همراه دارد. مؤلف با استفاده از واژگان ضمنی (درخت و میوه)، منظوری فراتر از معنای صریح عبارات را در نظر می‌گیرد و به صورت غیرمستقیم بر تخلق فرزندان به ویژگی‌های اخلاقی مشخص تأکید می‌کند و خصوصیات کنش منطقی و بایسته آن‌ها را در حق والدین آشکار می‌کند: «مثل آدمی چون میوه است و پدر و مادر چون درخت. هرچند درخت را تعهد بیش کنی، میوه او نیکوتر و بهتر باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵).

۲-۲ رمزگان هرمنوتیکی یا چیستانی (Hermeneutic)

این رمزگان‌ها به‌عنوان «واحد‌هایی از متن با گره‌افکنی در پیرفت‌ها موجب رازآلودگی و تعلیق داستان می‌شوند» (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۵: ۱۹۲). از جمله شاخصه‌های رمزگان هرمنوتیکی این است که نویسنده ابتدا معمایی را در متن مطرح می‌کند و در ادامه با جواب‌دادن به آن، گره ایجادشده را می‌گشاید و مخاطب را به اقتناع نسبی یا قطعی می‌رساند (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۴۱). از دید بارت، از زمانی که معمایی طرح و به آن پاسخ داده می‌شود، ده مرحله به وجود می‌آید که عبارت‌اند از: (۱) موضوعیت بخشی (در روایت چه چیزی معما است؟)؛ (۲) موقعیت‌یابی (مصداق‌های دیگر معما)؛ (۳) فرمول‌بندی معما؛ (۴) بشارت جواب‌دهی به معما؛ (۵) فریب (پیش‌دستی برای بازنمایی جواب صحیح)؛ (۶) ابهام (درآمیختن فریب و راستی)؛ (۷) انسداد (تظاهر به رمزگشایی‌نبودن معما)؛ (۸) جواب

تعلیمی (توقف جواب‌دادن)؛ ۹) جواب مختصر جزئی (هویداسازی شماری از ابعاد حقیقت)؛ ۱۰) هویداسازی نهایی حقیقت (Bowman, 2000: 21). باید این مهم را در نظر داشت که امکان دارد در یک متن پرسش‌محور، چند مرحله حذف شود؛ بنابراین، هیچ الزامی در رعایت این مراحل ده‌گانه وجود ندارد.

هدف اصلی عنصرالمعالی از کاربست رمزگان هرمنوتیکی در قابوس‌نامه، جلب توجه مخاطب است. نویسنده در یک نگاه کلی، دو نوع پرسش را در اثر خود و البته در دو باب نهم و بیست و هفتم مطرح می‌کند: ۱) پرسش اصلی و محوری که به‌صورت ضمنی بیان شده است و مخاطب با دیدن باب‌های قابوس‌نامه با خود می‌اندیشد که چرا مؤلف دو باب از اثر مذکور را به تبیین روابط میان والدین و فرزند اختصاص داده است. ۲) پرسش‌های جزئی و درون‌متنی که شخصیت‌ها مطرح می‌کنند و در زمانی کوتاه، پاسخ داده می‌شود و بر گسترهٔ درک مخاطب از مسائل اخلاقی می‌افزاید.

عنصرالمعالی از واحدهای زبانی بهره می‌برد تا با طرح پرسش‌هایی، ذهن گروه هدف را با چالش‌هایی مواجه کند که بنیادی اخلاقی و تعلیمی دارند. او با اتخاذ این روش، آموزه‌های مدنظر خود را با شیوه‌ای دیگرگون در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و آن‌ها را در فرایند ارتباط‌گیری با آموزهٔ تبیین‌شده دخیل می‌کند. حضور پویا و مؤثر مخاطب در جریان اندرزآموزی، موجب توسعه قدرت تحلیلگری و دریافت‌پذیری اخلاقی وی می‌شود. عنصرالمعالی در حکایتی، گروهی از مردم را در محضر امام علی^(ع) به تصویر می‌کشد که دربارهٔ حق پدر و مادر بر فرزند سؤال می‌کنند. نویسنده پس از موضوعیت‌بخشی، با هوشمندی یکی از شخصیت‌های برجستهٔ دینی و محترم برای مخاطبان را در جایگاه پاسخ‌دهندهٔ سؤال مطرح می‌کند تا در باورپذیری مخاطبان، اثرگذار عمل کند. این پاسخ‌گویی در کوتاه‌ترین زمان و بدون ایجاد تعلیق، ابهام‌آفرینی، انسداد و پاسخ تعلیقی انجام گرفته است تا مخاطب به‌سرعت در جریان آموزهٔ اخلاقی تبیین شده قرار بگیرد: «و در خبرست که امیرالمؤمنین را علیه السلام پرسیدند که حق پدر و مادر بر فرزند چیست و چند است؟ گفت: این ادب خدای تعالی در مرگ پدر و مادر، پیغامبر را علیه السلام بنمود که اگر ایشان روزگار پیغامبر دریافتندی، بر پیغامبر واجب بودی ایشان

را برتر از خویشتن داشتن و حق ایشان بشناختن و دریشان تواضع کهنتری و فرزندى نمودن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵).

رمزگان چيستانى با واحدهايى ارتباط دارد که نقش آنها طرح و شرح سؤال و جواب به طيف گسترده‌ای از وقایع تصادفی است و یا پرسشی را صورت‌بندی می‌کنند، یا جواب دادن به آن را به تأخیر می‌افکنند، یا چيستانى را طراحی می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

عنصرالمعالی به نقش مخاطب در تأویل و تفسیر حکایت‌های تعلیمی باور دارد؛ از این رو، سؤالاتی را مطرح می‌کند تا گروه هدف در فهم دلالت‌های اخلاقی و اندرزی متن تولیدی مشارکت داشته باشد. او در این باره، بهترین هنری را که والدین باید به فرزندان خود بیاموزند، با طرح سؤالی تبیین می‌کند. عنصرالمعالی با روایت تجربه شخصی، سخنان پدرش را بازگو می‌کند که هنرورزی‌های فرزند را می‌ستاید؛ اما خلاً یکی از هنرها را یادآور می‌شود و موضوعیت بخشی می‌کند. او در گام بعدی، با فرمول‌بندی سؤال به تشریح زوایای فراگیری فضل و هنر می‌پردازد و با پاسخ تعلیقی یعنی توقف ظاهری پاسخ‌گویی، حقیقت را به تدریج آشکار می‌کند. او مهم‌ترین هنری را که فرزند به آموختن آن نیاز دارد، شناگری دانسته است. پدر عنصرالمعالی این مفهوم را با تأخیر و بیان توضیحاتی فرعی برای مخاطبان خود شرح داده است. این تعلیق‌های هدفمند باعث می‌شود شنونده به ژرفای سخن گوینده پی ببرد و درک درستی از آموزه تعلیمی طرح شده به دست آورد: «پس گفت: این فرزند مرا آنچه بیاموخته‌ای نیک بدانسته است، ولكن بهترین هنری نیاموخته است. گفتند: آن چه هنر است؟ امیر گفت: این همه هرچه داند از معنی هنر و فضل همه آن است که اگر به وقت حاجت اگر وی نتواند کرد، ممکن بود که کسی از بهر وی بکند، آن هنر که وی را باید کرد، از بهر خویش و هیچ‌کس از بهر وی نتواند کرد وی را نیاموخته‌اید. ایشان پرسیدند که آن کدام هنر است؟ امیر گفت: شنا کردن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

۳-۲ رمزگان نمادین (Symbolic)

براساس قابلیت‌های این رمزگان، دستیابی به مجموعه‌ای از جفت‌های متضاد دوقطبی فراهم می‌شود که به متن معنا می‌بخشد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). آنچه در رمزگان نمادین اهمیت دارد، قطب‌های متضاد و برابرنهادهایی است که «تعدد ظرفیت» و «اعاده‌پذیری» را

شرح می‌دهند. در مجموع، نماد یکی از شاخصه‌های زبان است که باعث جابه‌جایی بیان شده است؛ دیدن صحنه‌ای غیر از صحنهٔ بیان (یعنی چیزی را خواننده‌ایم که فکر می‌کنیم) از طریق کاربست آن امکان‌پذیر می‌شود (Barthes, 1970: 19). معنا در سامانهٔ نشانه‌شناسی بارت، مقوله‌ای فی‌ذاته و مستقل نیست. این وجه افتراقی نشانه و تقابل‌سازی، باعث معناسازی در متن می‌شود (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۱۳۹). به بیان دیگر، معنای یک پدیده، مفهوم و... با وجود متضاد آن آشکار می‌شود و وجوه جدیدی از آن نمود می‌یابد.

باتوجه به ماهیت تعلیمی قابوس‌نامه و نمود شاخصه‌های اخلاقی و ضداخلاقی در آن، کاربست رمزگان نمادین که بر تقابل‌سازی تأکید دارد، امری بدیهی به نظر می‌رسد. از دید عنصرالمعالی، خردمندی و نابخردی فرزندان براساس کیفیت رفتار آنان با پدر و مادر تعیین می‌شود. او با ایجاد تقابل ظاهری می‌کوشد مخاطبان خود را به این مهم سوق دهد که هرگز از توجه به والدین خود غافل نشوند؛ بنابراین، فرزندان که رفتار شایسته‌ای با والدین خود دارند، نمادی از خردمندی هستند و در مقابل، فرزندان که در این زمینه قصوری از آن‌ها سر می‌زند، نماد بی‌عقلی و نادانی به شمار می‌روند. درواقع، عنصرالمعالی با تشریح تضاد و دوگانگی رفتارهای دو گروه انسانی، تقابل میان ارزش و پادارزش را بازنمایی کرده است: «و آن فرزند که مادام خرد رهنمون او بود، از حق و مهر مادر و پدر خالی نباشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۴).

عنصرالمعالی پدر و مادر را نماد عینی و نمود انسانی مفاهیم انتزاعی نیکی و خیر معرفی کرده است. بر این پایه، توجه به آنان، امری نیکو تلقی می‌شود و تخطی از وظایف فرزندی به معنای گرایش به انواع زشتی‌ها و شرارت‌هاست. او کسانی را که در حق والدین خود، شکرگزار هستند، نمادی از انسانیت، خردمندی و دین‌مداری می‌شمارد و در مقابل، فرزندان بی‌تفاوت نسبت به پدر و مادر را حق‌ناشناس و خیره معرفی می‌کند. باید در نظر داشت که رویکرد بارت به مقولهٔ نماد با مسائل موجود در زیبایی‌شناسی سنتی فارسی، تفاوت‌هایی دارد. از جمله اینکه بارت بر جنبهٔ تقابلی در نمادها تأکید می‌کند. در متن ذیل از قابوس‌نامه، شاهد تقابل میان نیکی و بدی در سطح کلان هستیم.

عنصرالمعالی برای هرکدام از این مفاهیم، مصداق‌هایی را مطرح کرده است. درباره نیکی، بر رعایت حق پدر و مادر تأکید شده و مدلول‌هایی برای آن بازنمایی شده است که می‌توان به مردمی‌گری، خردمندی و نیکویی اصل اشاره کرد؛ بنابراین، پدر و مادر در رویکرد عنصرالمعالی، نماد عینی و ملموس مفاهیم نیکو هستند و در مقابل، رعایت نکردن حقوق آن‌ها باعث سقوط جایگاه انسانی فرزندان می‌شود: «پس حق پدر و مادر اگر از روی دین ننگری، از روی مردمی و خرد بنگر که پدر و مادر منبت نیکی و اصل پرورش نفس تواند و چون در حق ایشان مقصر باشی، چنان نماید که تو سزای هیچ نیکی نباشی که آن کس که او حق شناس نیکی اصل نباشد، نیکی فرع را هم حق نداند و با ناسپاسان نیکی کردن از خیرگی بود و تو نیز خیرگی خویش مجوی» (همان: ۲۵).

۲-۴ رمزگان فرهنگی و ارجاعی (Referential)

یکی از دستاوردهای بارت که حاصل تحقیقات وسیع و جزئی‌نگر وی بوده، رواج اصطلاح «فرازبان» در علم نشانه‌شناسی است. فرازبان را باید گونه‌ای از گفتمان یا زبان انتقادی دانست که با کاربست آن، تحلیل بخشی از فرم‌ها و ساختارها (Trifonas, 2001: 4) امکان‌پذیر می‌شود که صرفاً با ارجاع به بسترهای فرهنگی قابلیت واکاوی پیدا می‌کنند (Barthes, 1964: 29). یکی از جنبه‌هایی که می‌توان برای رمزگان‌ها در نظر گرفت، بُعد اجتماعی است که به آن ماهیتی تاریخی می‌بخشد. این رمزگان‌ها به صورت ناهمگون در لایه‌های مختلف اجتماع پراکنده شده‌اند و هر جامعه با توجه به رمزگان‌های گوناگون، به گروه‌های اجتماعی مختلفی تقسیم می‌شود و لایه‌های عام و جهانی تا سطوح بسیار ویژه را در بر می‌گیرد (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

موضوع دیگری که درباره رمزگان‌های ارجاعی باید در نظر داشت، میان‌متنیت (Intertext) است. از دید بارت، «از آنجاکه هر متنی، میان‌متن متنی دیگر است، به ساحت میان‌متون تعلق دارد... [و] جست‌وجو برای کشف منابع اثر یا عواملی که در خلق آن مؤثر بوده‌اند، ناشی از اعتقاد به انشعاب و اسناد است» (بارت، ۱۳۷۳: ۶۲). در نتیجه، نباید برای هیچ متنی، نوآوری و خلاقیت محض را در نظر گرفت؛ زیرا افزون‌بر نشانه‌های آشکار و پنهان از متون دیگر، ارجاع به مصداق‌هایی از فرهنگ خودی یا مظاهر فرهنگ‌های دیگر

در متن تولیدی هویدا است.

عنصرالمعالی بارها از مدخل‌های بیرونی برای بازنمای آراء تعلیمی خود استفاده کرده است تا با تکیه بر منابع معتبر دینی کلامش را تبیین کند و بر اعتبار سخن خود بیفزاید. او با درک درستی که از گرایش‌های ایدئولوژیک و اعتقادی مخاطبان خود دارد، در توجیه اهمیت بهسازی ارتباط فرزند با والدین به کتاب الله و سیره عملی بزرگان دین استناد می‌کند و به صورت ضمنی، منظور خود را شرح می‌دهد. با کاربست این روش، امکان ارتباط‌گیری مؤثر مخاطب دین‌مدار با متن اندرزی تقویت می‌شود. عنصرالمعالی با تکیه بر میان‌متنی‌های اسلامی، داشته‌های فکری خود را شرح می‌دهد و بنابر سنت معمول، اخلاق و دین را با هم درمی‌آمیزد تا در ارتقای درک مخاطب، مؤثرتر عمل کند. اشاره به سیره نظری و عملی بزرگان دین باعث استواری آبشخورهای فکری نویسنده شده است. او با یادکرد نام شخصیت‌هایی مانند علی^(ع) که الگوهای اخلاقی اصلی مردم هستند، قداست کلام خود را افزایش می‌دهد. از این طریق، مدخل‌های بیرونی افکار عنصرالمعالی نزد عوام و خواص ارزش و اعتبار می‌یابد و گروه هدف، ارتباط عمیق‌تری با مفهوم تعلیمی مدنظر وی برقرار می‌کند. به بیان دیگر، مؤلف قابوس‌نامه می‌کوشد از دل‌بستگی‌های دینی و مذهبی مخاطبان خود برای واداشتن آنان به انجام کنشی نیکو و اخلاق‌محور بهره‌برداری کند. چنان‌که از زبان امام علی^(ع) به توجیه اهمیت و بایستگی احترام فرزندان به پدر و مادر می‌پردازد و می‌گوید: «و در خبر است که امیرالمؤمنین را علیه السلام پرسیدند که حق پدر و مادر بر فرزند چیست و چند است؟ گفت: ... اگر ایشان روزگار پیغامبر دریافتندی، بر پیغامبر واجب بودی ایشان را برتر از خویشان داشتن و حق ایشان بشناختن و دریشان تواضع کهنتری و فرزندی نمودن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵).

قرآن یکی از متون اصلی در اظهارنظرهای اخلاقی و تعلیمی عنصرالمعالی است. او با استناد به کلام خدا، سخن خود را قوت بخشیده و بر اعتبار آراء خویش افزوده است. بر این پایه، او والدین را اولی‌الأمر می‌خواند تا جایگاه واقعی آنان را در زندگی فرزندان براساس آیه‌های قرآن شرح دهد. طبیعتاً باورپذیری مخاطب با شنیدن آیه قرآن تقویت می‌شود: «و خدای تعالی همی گوید در محکم تنزیل خود: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹). این آیت تفسیر کرده‌اند از چند روی و یک روایت چنین خوانده‌ام که *أُولَى الْأَمْرِ*، پدر و مادرند که به حقیقت امر به تازی دو است: یا کارست یا فرمان و *أُولَى الْأَمْرِ* آن بود که او را هم فرمان بود و هم توان. و پدر و مادر را توان است به پروردن تو و فرمان است به خوبی آموختن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵). مؤلف *قابوس‌نامه* در بخش دیگری به تبیین این مهم می‌پردازد که فرزندان باید زمینه‌ای را فراهم آورند که هیچ رنج و آزاری از جانب آن‌ها متوجه والدینشان نشود. در این باره، آیه قرآن بهترین سند و مدرک اخلاقی برای توجیه مخاطبان است: «و زینهار ای پسر که رنج مادر و پدر خوار نداری که آفریدگار به حق مادر و پدر، بسیار همی گیرد و خدای تعالی همی گوید: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء: ۲۳)» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵).

احادیث اسلامی منبع فکری دیگر عنصرالمعالی است که بحث میان متنت را در *قابوس‌نامه* قوت می‌بخشد. نویسنده از این طریق، سابقه‌ای منطقی و خردمحور برای مخاطبان خود تبیین می‌کند تا مشخص شود انجام کنش‌های اخلاقی بازگوشده مؤلف، در سیره عملی و نظری بزرگان دین ریشه دارد. به عبارت دیگر، عنصرالمعالی قصد دارد شماری از بایسته‌های رفتاری والدین و فرزندان را از دریچه دین و ایدئولوژی غالب با مخاطبانش به اشتراک بگذارد؛ زیرا با توجه به بافت دینی جامعه، ارتباط گیری گروه هدف با آموزه‌های بیان شده قوت بیشتری می‌یابد. بر این مبنا، عنصرالمعالی به والدین توصیه می‌کند تا نامی نیکو بر فرزندان خود نهند. او این را یکی از حقوق فرزند بر پدر و مادرش می‌داند. چنین توصیه‌ای در کلام بزرگان دین از جمله پیامبر اسلام (ص) (طبرسی، ۱۳۸۷: ۲۲۰)، امام علی (ع) (ابن بابویه، ۱۳۹۳: ۳۰۱)، امام باقر (ع) (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۱۳۰)، امام موسی کاظم (ع) (همان: ۱۲۹) و... آمده است. عنصرالمعالی با نظر داشت این رمزگان‌های فرهنگی غنی بیان می‌دارد: «اگر پسریت آید، ای پسر، اول چیزی باید که نام خوش برو نهی که از جمله حق‌های پدران بر فرزندان یکی آن است که او را نام خوش نهد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۱۳۲).

منبع فکری دیگر عنصرالمعالی برای بازنمایی مجموعه‌ای از اخلاقیات، تأثیرپذیری از

ضرب المثل است. از دید کادن، مثل سابقه بسیار کهنی در بین اقوام و ملل دارد و از ساخت بیانی دیرپایی برخوردار است. این گونه ادبی با پند و سخن قصار همراه است (کادن، ۱۳۸۰: ۳۵۳). مؤلف قابوس‌نامه فرزندان را به این نکته تعلیمی سوق می‌دهد که باید کیفیت رفتار خود را با والدین به‌گونه‌ای تنظیم کنند که انتظار دارند در آینده فرزندان چنين برخورد کنند. در واقع، نویسنده با بهره‌گیری غیرمستقیم از ظرفیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی زبانزدهای «هرچه برای خود می‌خواهی برای دیگران بخواه» و «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، چنین مفهوم عمیقی را شرح داده است: «با پدر و مادر خویش چنان باش که از فرزندان خویش طمع داری که با تو باشند؛ زیرا که آنکه از تو زاید همان طبع دارد که تو ازو زادی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۵).

۲-۵ رمزگان کنشی (Action Narrative)

این رمزگان مجموعه‌ای از پیرفت‌ها و توالی‌های نه‌چندان مبسوطی را شامل می‌شود که پیش‌برنده روایت هستند. این توالی زمانی مصداق می‌یابد که به طیفی از جزئیات، اسمی معین تعلق بگیرد (پین، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در رمزگان کنشی با زنجیره‌ای از وقایع روبه‌رو هستیم که در خوانش یا جمع‌آوری داده‌هایی ثبت شده است که روایت در اختیار ما می‌گذارد؛ سپس نامی برای آن در نظر گرفته می‌شود (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). این رمزگان‌ها را باید واحدهایی دانست که زمینه پیرفت منطقی وقایع و کنش‌ها را در لایه زیرین متن به وجود می‌آورد (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۵: ۱۹۲). توصیف یک کنش موجب می‌شود انتظاری مبنی بر به سرانجام رسیدن کنش مذکور و پیش‌رونده‌بودن حرکت پیرفت روایت در ذهن خواننده ایجاد شود (پاینده، ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۲۴). همچنین، شرح هر کنش، احتمال انجام کنش دیگری را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین، «هر وقت واحدی در داستان مشخص کند که داستان و پی‌درپی‌بودن کنش‌ها چگونه است، با رمزگان کنشی مواجه هستیم» (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

در قابوس‌نامه، دعوت به کنش‌های اخلاقی نمود دارد. عنصرالمعالی صرفاً به بازنمایی مبانی اخلاقی در حوزه نظری و تئوریک بسنده نمی‌کند و رویکردهای عملی و

کارکردگرایانه‌ای از اخلاق و تربیت ارائه می‌کند که این امر، غنای تعلیمی اثر او را ارتقا می‌بخشد. در این باره، او برای تبیین مقولهٔ حرمت‌گذاری فرزندان به والدین به تبیین عواطف درونی آن‌ها می‌پردازد و بیان می‌دارد که والدین برای حمایت از فرزندان خود، حاضر به فداکردن برترین داشتهٔ خود یعنی جانشان هستند و از این امر ابایی ندارند. عنصرالمعالی با بازنمایی کنشگری پویا و مسئولانهٔ والدین تأثیرگذاری بسزایی در ایجاد پیوند عاطفی میان دو سویهٔ ارتباط دارد. او با اشاره به کنش‌های عینی و محسوس والدین، این پیام را به مخاطبان خود انتقال می‌دهد که شفقت پدر و مادر حد و مرزی ندارد: «ایشان را غرض شهوت بود... مضاعف شهوت، شفقتی استاده است که از بهر تو خود را به کشتن سپارند» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۲: ۲۴).

عنصرالمعالی در ارتباط با هنرآموزی و دانش‌اندوزی کودکان، به والدین توصیه می‌کند با حمایت‌های نادرست از فرزندان، موجب دوری آن‌ها از مکتب و درس نشوند. به عبارت دیگر، مؤلف با اشاره به مجموعه‌ای از روش‌های عملی، به والدین سفارش می‌کند با اتخاذ روش‌های تربیتی درست و به دور از احساسات ناسودمند، آیندهٔ فرزندان خود را به مخاطره نیندازند. در این باره، این امر که والدین کودکان را تنبیه کنند رد و این موضوع به آموزگار سپرده می‌شود تا کینه‌ای از والدین در دل فرزند ایجاد نشود: «در هر علمی که مرو را آموزی، اگر معلم از بهر تعلیم مر او را بزنند، شفقت مبر. بگذار تا بزنند که کودک علم و ادب و هنر به چوب آموزد، نه به طبع خویش؛ اما اگر بی ادبی کند و تو از وی در خشم شوی، به دست خویش وی را مزین، به معلمانش بترسان و ادب کردن ایشان را فرمای کردن تا کینهٔ تو اندر دل وی نماند» (همان: ۱۳۴).

در ساختار فکری مؤلف قابوس‌نامه، در صورتی که فرزند شرایط و آمادگی ازدواج را نداشته باشد، پدر باید زمینه‌های لازم را برای تحقق این مهم فراهم کند. در واقع، نویسنده در ژرفای این سفارش عملی در اندیشهٔ بازنمایی اهمیت سنت حسنهٔ ازدواج است که عنصری بازدارنده از پلیدی‌ها و کج‌روی‌ها معرفی می‌شود. عنصرالمعالی باور دارد امر تزویج نتایج مطلوبی در زندگی شخصی افراد جوان برجای می‌گذارد و آن‌ها را

به‌سوی امور درست هدایت می‌کند. در نتیجه، از پدر می‌خواهد شرایط ازدواج فرزند پسر را آسان کند: «اما چون پسر بالغ گشت، بنگر اندر وی. اگر سر صلاح و کدخدایی دارد و دانی که به زن و کدخدایی مشغول خواهد شدن، پس تدبیر زن‌خواستن کن و زنش بده تا آن حق نیز گزارده باشی» (همان: ۱۳۶).

اگرچه سویه‌های جنسیتی در توصیه‌های عنصرالمعالی در قابوس‌نامه برجسته به نظر می‌رسد و غالب اندرزاها به مردان اختصاص می‌یابد، گاهی شاهد سفارش‌هایی فراجنسیتی هستیم. جالب آنکه او برخلاف جریان سنتی غالب، از والدین درخواست می‌کند تا فرزندان دختر خود را به دایگانی بسپارند تا به‌خوبی آن‌ها را پرورش دهند و با مبانی اخلاقی آشنا کنند. همچنین، بحث علم‌آموزی دختران در متن ذیل، کنشی اخلاقی مطرح شده است که در جامعه سنتی ایران، سابقه چندانی ندارد. این کنش‌ها را می‌توان در بردارنده رمز و نکته‌ای جالب دانست. به این معنا که عنصرالمعالی در لایه‌های زیرین کلام خود، بحث تساوی حقوق دختران و پسران را در برخی مؤلفه‌ها – از جمله تعلیم، تربیت و علم‌آموزی – مطرح می‌کند؛ اما با توجه به بافت فرهنگی جامعه، اصل سخن خود را از روساخت به ژرف‌ساخت انتقال می‌دهد تا از انتقادهای و طردهای شدید احتمالی برخی افراد در امان بماند: «اگر دختریت باشد، وی را به دایگان مستور سپار و نیکو پرور و چون بزرگ شود، به معلم ده تا نماز و روزه و آنچه در شریعت است، بیاموزد» (همان: ۱۳۶-۱۳۷).

۳- نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفیت رمزگان‌های پنج‌گانه در باب‌های نهم و بیست‌وهفتم از قابوس‌نامه براساس آراء رولان بارت بررسی و کاویده شده است تا ظرفیت‌های تعلیمی این اثر بازنمایی شود. به نظر می‌رسد عنصرالمعالی با استفاده از رمزگان‌های نمادین و با ایجاد تقابل‌های دوگانه در متن، موضوع‌های اندرزی مهمی مانند احترام به والدین و مراقبت از آنان، خردمندی، انسانیت و دین‌مداری را تبلیغ کرده است. در مجموع، این

رمزگان مانند جریان فکری سیال در کلیت باب‌ها دیده می‌شود و بر رمزگان‌های دیگر تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم می‌گذارد. درباره رمزگان فرهنگی و ارجاعی باید گفت، پیوندهای عمیقی میان متن تولیدی با قرآن و روایات دیده می‌شود. عنصرالمعالی کوشیده است با استفاده از مصداق‌های دینی و اسلامی معتبر، بر اعتبار کلام خود بیفزاید و فرایند اقناع مخاطبان را نسبت به روایی و باورپذیری سخن تعلیمی و اخلاقی خود تسریع بخشد. افزون بر این، اصلی‌ترین رمزگان فرهنگی که در این باب‌ها دیده می‌شود، تقابل و ستیز ذاتی میان خیر و شر است. رمزگان‌های معنایی نیز در سیر حرکت ذهنی خواننده از لایه ابتدایی نظام دلالتی روایت به سطح ثانویه تأثیر مستقیم برجای گذاشته است. بررسی درون‌مایه باب‌های مذکور در *قابوس‌نامه* نشان می‌دهد که در لایه‌های اولیه و ثانویه نوعی تضاد منافع میان شخصیت‌های عام و کلی دیده می‌شود. همچنین، عنصرالمعالی دلالت‌ها را به دو صورت ضمنی و صریح شرح داده است. با بررسی رمزگان کنشی و پروآپرتیک مشخص شد که عنصرالمعالی با تشریح زنجیره‌ای از کنش‌ها، شرایط درونی و انتزاعی شخصیت‌ها را برای مخاطب خود، درک پذیر و عینی جلوه داده و فهم و دریافت بصری و تصویری آن را سهولت بخشیده است که این امر تأثیر مهمی در ارتباط‌گیری مخاطب با آموزه‌های تعلیمی تبیین شده دارد. نکته دیگر آنکه، کنش‌ها و پیرفت‌ها در باب‌های نهم و بیست‌وهفتم تأثیر مطلوبی بر شرح تحولات اخلاقی والدین و فرزند گذاشته است. همچنین، تحلیل رمزگان هرمنوتیکی بیانگر این مهم است که عنصرالمعالی به نقش محوری مخاطب در خوانش متن تولیدی و رسیدن به درکی عمیق از آموزه تبیین شده آگاه است و بدان اهمیت می‌دهد. به این اعتبار، او می‌کوشد تا گروه هدف را در تأویل‌ها و تفسیرها دخالت دهد و بخشی از مفاهیم اخلاقی را با تکیه بر شاخصه تفسیر به رأی مخاطب با او به اشتراک بگذارد. در یک نگاه کلی، رمز اصلی برای بازنمایی روابط اخلاقی میان والدین - فرزند در کتاب *قابوس‌نامه*، تقابل بین نیکی و پلیدی است که در دو باب منتخب از اثر مذکور، مصداق‌های متنوعی را می‌توان برای آن متصور بود و در نظر گرفت.

جدول شماره ۱: آموزه‌های تعلیمی بازنمایی شده با کاربرست رمزگان‌های پنج‌گانه بارت

در *قابوس‌نامه*

آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی تبیین‌شده	نام رمزگان
(۱) تکریم پدر و مادر؛ (۲) توجه به خواسته‌های والدین؛ (۳) گزینش همسر شایسته برای فرزند	(۱) نمادین
(۱) الگوگیری از سیره اخلاق‌بنیاد شخصیت‌های دینی؛ (۲) تکریم والدین؛ (۳) تلاش فرزند برای زدودن زمینه‌های ایجاد رنج برای پدر و مادر؛ (۴) گزینش نام نیکو برای فرزند	(۲) ارجاعی و فرهنگی
(۱) تکریم والدین؛ (۲) تحت آموزش قراردادن فرزند؛ (۳) امتناع از تنبیه کودکان؛ (۴) اتخاذ روش‌های تربیتی درست برای کودک باتوجه به ظرفیت‌های او؛ (۴) برابری حقوق کودک پسر و دختر در مؤلفه‌های تربیتی، پرورشی و علمی	(۳) کنشی
(۱) تکریم پدر و مادر؛ (۲) گرایش به ورزش و هنر	(۴) هرمنوتیکی و چپستانی
(۱) تکریم والدین؛ (۲) تیمارداری والدین؛ (۳) تربیت اخلاقی فرزندان؛ (۴) قرآن‌آموزی به فرزندان؛ (۵) گرایش به سنت اسلامی؛ (۶) شادی‌کردن؛ (۷) پیشه‌آموزی	(۵) معنایی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلن، گراهام (۱۳۸۵)، *رولان بارت*، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه صادق طالبی مازندرانی، قم: شمیم کوثر.
۴. احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
۵. _____ (۱۳۹۳)، *از نشانه‌های تصویری تا متن*، چاپ هفتم، تهران: مرکز.
۶. اسپرهم، داوود؛ شاگشتاسبی، مولود؛ سالاری، عزیزالله (۱۳۹۸)، «تحلیل روایی داستان نخجیران و شیر مثنوی معنوی با رویکرد زبان‌شناسی رمزگان رولان بارت»، *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، سال ۸، شماره ۱، ۱-۱۹.
۷. اسعدی، مریم‌السادات (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل نوع خانواده و ارکان آن در قابوس‌نامه با عنایت به دیدگاه‌های اسلام و نظرات جامعه‌شناسان»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال ۷، شماره ۲۵، ۷-۲۶.
۸. _____ (۱۳۸۹)، «خانواده در قابوس‌نامه»، *بوستان ادب*، دوره ۲، شماره ۵۸، ۳۱-۴۹.

۹. اسکولز، رابرت (۱۳۷۹)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: آگه.
۱۰. بارت، رولان (۱۳۷۳)، «از اثر تا متن»، مجله ارغنون، ترجمه مراد فرهادپور، شماره ۴، ۵۷-۶۶.
۱۱. _____ (۱۳۷۸)، درجه صفر نوشتار، ترجمه شیرین دخت دقیقیان، تهران: هرمس.
۱۲. _____ (۱۳۸۴)، بارت و سینما، ترجمه مازیار اسلامی، تهران: گام نو.
۱۳. باقری خلیلی، علی اکبر؛ ذبیح پور، فاطمه (۱۳۹۳)، «تحلیل ساختاری تقابل نشانه‌ای در غزلیات حافظ شیرازی با تکیه بر نظریه رولان بارت»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۵، ۲۵-۵۳.
۱۴. پاینده، حسین (۱۳۹۷)، نظریه و نقد ادبی، ۲ ج، تهران: سمت.
۱۵. پورالخاص، شکرالله؛ قرداشخانی، خدیجه (۱۳۹۳)، «مقایسه آموزه‌های تربیتی گلستان سعدی و قابوس‌نامه»، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۶، شماره ۹، ۲۲-۱.
۱۶. بین، مایکل (۱۳۹۲)، بارت و فوکو و آلتوسر، ترجمه پیام یزدان‌جو، چاپ چهارم، تهران: مرکز.
۱۷. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، به تصحیح و تحقیق و تذییل عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ نهم، تهران: اسلامیه.
۱۹. خواجه گیری، طاهره و همکاران (۱۳۹۹)، «نشانه‌شناسی خویشکاری نام رستم در شاهنامه»، مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ۱۶۱-۱۹۰.
۲۰. خویننی، عصمت؛ رحمتیان، سجاد (۱۳۹۸)، «پژواک برخی اندرزه‌های پیشینیان در کتاب قابوس‌نامه»، ادبیات تعلیمی، شماره ۴۳، ۲۷-۵۴.

۲۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. سارتر، ژان پل (۱۳۵۲)، ادبیات چیست؟، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: زمان.
۲۳. سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: علم.
۲۴. سلدن، رمان؛ ویدوسون، پتر (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
۲۵. صافی پیرلوجه، حسین (۱۳۹۵)، درآمدی بر تحلیل گفتمان انتقادی (گفتمان‌روایی)، تهران: نی.
۲۶. صفوی، کوروش (۱۳۸۱)، مبانی نشانه‌شناسی نوین، تهران: سمت.
۲۷. ضیاء‌الدینی دشتخاکی، علی؛ مرتضایی، جواد (۱۳۹۵)، «کارکردهای روایی در شعر طاهره صفارزاده براساس نظریه روایت‌شناسی بارت»، فنون ادبی، شماره ۱۷، ۹۷-۱۱۲.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۷)، مکارم الاخلاق، ترجمه محمدحسین رحیمیان، قم: مؤمنین.
۲۹. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۸۲)، قابوس‌نامه، به اهتمام و تصحیح غلام‌حسین یوسفی، چاپ دوازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. فلاحی، محمدهادی (۱۴۰۰)، «بازیابی رمزگان‌ها در منطق الطیر عطار نیشابوری (خوانش داستان مرغان سالک و برادران یوسف)»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، دوره ۱۷، شماره ۶۴، ۱۴۵-۱۷۴.
۳۱. کادن، جی ای (۱۳۸۰)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: شادگان.
۳۲. کاسی، فاطمه (۱۳۸۷)، «تحلیل ساختاری داستان پادشاه سیاه پوش از منظر بارت و گرماس»، ادب پژوهی، شماره ۵، ۱۸۳-۲۰۰.
۳۳. موسوی، سید جلال (۱۳۹۹)، «تبیین جایگاه قابوس‌نامه در تاریخ اندرزنامه‌نویسی»، ادبیات تعلیمی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۲۳-۵۰.

۳۴. مهدوی، بتول؛ تقی زاده، فاطمه (۱۳۹۷)، «بررسی آموزه‌های اخلاقی آفرین نامه ابوشکور بلخی با نگاهی به میزان تأثیر آن بر قابوس نامه»، ادبیات تعلیمی، شماره ۳۸، ۱۸۵-۲۳۱.

35. Barthes, Roland (1964), **Elements of Semiology**, Translated by A. Lavers & C. Smith, Paris, Editions du Seuil.

36. _____ (1970), **s/z**, Translated by Richard Howard & Richard Miller, New York, Hill and Wang.

37. _____ (1986), **The Rustle of Language**, Translated by R. Howard, California, University of California Press.

38. Bowman, Peter James, (2000), «Theodor Fontane's Cécille: An Allegory of Reading», **German Life and Letters**, Vol 1, No 53, p.p 14-29.

39. Trifonas, Peter Pericles, (2001), **Barthes and the Empire of Signs**, Series Editor: R. Appignanesi, UK and USA: Icon Books and Totem Books.